

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس في علم الاصول

للمشيد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 58

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدی

آموزشیار: آقای شم آبادی

بحث در تفصیل مرحوم محقق قمی (بین ظهور منعقد بر ای مقصود بالافهام و ظهور منعقد برای غیر مقصود بالافهام - و حجّیت ظهور اول و عدم حجّیت ظهور دوم -) بود. مرحوم شهید صدر بررسی کردند که اگر مستمع احتمال بدهد که مراد متکلم بر خلاف ظاهر کلام او می باشد، این امر در مجموع بر اساس چه احتمالاتی است . و کدام یک از آن احتمالات بین مقصودین بالافهام و غیر مقصودین بالافهام مشترک بوده و کدام یک اختصاص به یکی از آنها دارد.

شهید صدر(ره) در این درس به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که آیا می توان این احتمالات را با اصول عقلایی نفی کرد یا خیر؟ ایشان همه این احتمالات را نفی خواهند کرد و در نهایت تفصیل محقق قمی را نخواهند پذیرفت.

و حجية الظهور فى حق غير السامع ممن لم يقصد افهامه تتوقف على وجود حيثيات كشف مبررة عقلائية لإلغاء الاحتمالات الخمسة بشأنه و هى موجودة فعلاً بالبيان التالى:

اما الاحتمال الأول فينفى بظهور حال المتكلم فى كونه فى مقام تفهيم مراده بكلامه.

و اما الاحتمال الثانى فينفى بظهور حاله فى ان ما يقوله يريد، أى انه فى مقام تفهيم مراده بشخص كلامه.

و اما الاحتمال الثالث فينفى بأصالة عدم الغفلة.

و اما الاحتمال الرابع و هو ما أبرزه المفصل فينفى بظهور حال المتكلم العرفى فى استعمال الأدوات العرفية للتفهم، و الجرى وفق أساليب التعبير العام.

و اما الاحتمال الخامس فينفى بشهادة الناقل - و لو ضمناً - بعدم حذف ماله دخل من القرائن الخاصة فى فهم المراد.

یادآوری:

مرحوم شهید صدر (ره) پنج احتمال را مطرح کردند که هر یک از این احتمالات باعث می شود ما نتوانیم یقین کنیم ظاهر کلام متکلم، همان مراد اوست. و اگر همه این پنج احتمال متنفی باشد، آن گاه بطور جزم می توانیم بگوییم مراد متکلم همان ظاهر کلام اوست. این پنج احتمال را در درس قبل مطرح کردیم.

در این درس بررسی کنیم که آیا می توان با استفاده از اصول و سیره های عقلایی این احتمالات را نفی کرد یا خیر؟ یعنی اگر چه نمی توان وجداناً اینها را مرتفع کرد، اما آیا از طریق سیره ها و اصول عقلایی می توان اینها را نادیده گرفت؟ به تعبیر دیگر آیا عقلاً به این احتمالات اعتنا می کنند یا به استناد برخی ظنون معتبر، حکم به انتفاء این احتمالات می نمایند؟ برای این منظور ابتدا مقدمه ای را مطرح می کنیم و سپس به بیان احتمالات و بررسی آنها می پردازیم.

مقدمه: همانطور که قبلاً نیز گفته ایم هر یک از اصول عقلانی بر اساس یک کشف استوار هستند. لذا باید یک شیء، جنبه کلشفتی (ولو ظنی) از واقع داشته باشد (و به تعبیر دیگر اماره بوده و در نزد عقلا افاده ظن کند) تا عقلاً برای آن اصلی را بنا نهند.

نفی احتمال اول به واسطه اصول عقلایی:

اولین احتمالی که مطرح شد این بود که متکلم در صدد اخفاء مراد خود باشد و نخواهد پرده از مقصود خود بردارد و لذا قرینه ای را که در فهم مرادش نقش مهمی داشته حذف کرده باشد و ما نتوانیم مراد او را از عباراتی که بیان کرده است بفهمیم.

این احتمال در میان عقلا متنفی است؛ چون یکی از اصول عقلانی این است که ظاهر حال متکلمی که سخن از مرادش می گوید و در صدد تفهیم مرادش می باشد این است که قصد اخفاء مراد خویش را ندارد.

توضیح آنکه کسی که از مراد خود سخن می گوید، ظاهر حالش آن است که نمی خواهد مراد خود را مخفی کند. بنابراین هیچگاه قرینه‌ای را که با حذف آن مرادش برای مستمع مخفی می ماند حذف نمی کند. به تعبیر دیگر، شهید صدر در این قسمت به یک اماره عقلایی اشاره می کند که عبارت است از حال متکلم و ظاهری که از آن به دست می آید. حال متکلم ظهور دارد در اینکه او وقتی تکلم می کند نمی خواهد آنچه را که از آن سخن می گوید مخفی کند، لذا ما ظن پیدا می کنیم که او در صد د اخفاء مراد خویش نیست و این همان کشفی است که در نزد عقلا معتبر است و مبنای اصل عدم اخفاء مراد شده است.

نفی احتمال دوم به واسطه اصول عقلایی:

احتمال دوم این بود که شاید متکلم بخواهد بعداً مرادش را به نحو کامل بیان کند لذا به قرائن منفصله اعتماد کرده باشد. پس - هر چند او سخن خود را گفته و قصد اخفاء مرادش را نداشته است اما - فعلا قصد ندارد آنچه را در درون دارد کاملاً بیان کند؛ بلکه می خواهد مرادش را در آینده به واسطه قرائن منفصله بیان کند.

مرحوم شهید صدر می فرماید: این احتمال در نزد عقلا مورد توجه نیست؛ چون ظاهر حال متکلمی که قصد تفهیم مرادش را دارد این است که تمام آنچه را در تفهیم مراد او نقش دارد یکجا بیان می کند و چیزی را برای آینده نمی گذارد. و این نیز به یک اماره عقلایی یعنی همان ظاهر حال متکلم اشاره دارد و اینکه وقتی او می خواهد از مرادش سخن بگوید و پرده بردارد به طور کامل پرده بر می دارد و هر وقت قصد تفهیم مرادش را دارد کاری نمی کند که فهم مراد میسر نباشد و مستمع به خطا بیفتد. پس طبق این اماره عقلایی، اصل، عدم قرینۀ منفصله است.

Sco1:7:00

نفی احتمال سوم به واسطه اصول عقلایی:

احتمال دیگر این بود که شاید متکلم مرادش را با قرائن متصله به نحو کامل بیان کرده است اما شنونده غفلت کرده است. یعنی هنگامی که متکلم به قرینه اشاره می‌کرد مستمع غافل شده و اصلاً متوجه آن قرینه نشده است. لذا هنگام گزارش، آن کلام را بدون قرینه نقل می‌کند و ما را به اشتباه می‌اندازد.

همانطور که قبلاً گفتیم، اصل، عدم غفلت است؛ یعنی عقلاً به احتمال غفلت خود یا دیگران اعتنا نمی‌کنند و اصل را بر انتباه می‌گذارند.

احتمال چهارم:

شاید متکلم قصد کرده باشد که مرادش را با استفاده از قرائن خصوصی (که بین خودش و مخاطب مقصود بالافهام وجود دارد) بیان کند.

محل بحث در تفصیل ارائه شده توسط مرحوم قمی، همین نوع از قرائن بوده و تفصیل بین ظهور نزد مقصودین و ظهور نزد غیر مقصودین، طبق همین احتمال شکل گرفته بود.

بررسی احتمال چهارم:

آیا این احتمال از نگاه عقلاً منتفی می‌باشد یا خیر؟

مرحوم شهید صدر می‌فرماید سیره عقلاً این است که در انتقال مفاهیم از اسلوب‌ها و روش‌های عام و مرسوم استفاده می‌کنند و از روش‌های خاص، خصوصی و محرمانه بهره نمی‌گیرند.

مثال ۱) ما وقتی در منزل صحبت می‌کنیم از همان سبکی استفاده می‌کنیم که در اجتماع با آن صحبت می‌کنیم. به گونه‌ای که اگر صحبتی را که ما در منزل انجام می‌دهیم ضبط کنند و در جامعه پخش کنند، همه سخن ما را می‌فهمند، در حالی که مقصود بالافهام ما فقط اهل منزل بوده‌اند.

مثال ۲) ما حتی هنگامی که با خودمان صحبت می کنیم و مشغول تفکر بوده و یک نوع گفتگوی ذهنی داریم به همان ادبیات و بیانی صحبت می کنیم که دیگران را مورد خطاب قرار می دهیم.

مثال ۳) اگر فرض کنیم کسی در نزد دوستش اعتراف کند که زید را کشته است، بعد نوار این جلسه به دست قاضی دادگاه بیافتد، او طبق همین نوار به قاتل بودن شخص حکم می کند، در صورتی که فرض بر این است که مقصود بالافهام و مخاطب او، دوستش بوده است نه قاضی، اما قاضی به این قضیه (که مقصود بالافهام او چه کسی بوده) اعتنا نمی کند.

پس روشن شد که روش عقلا این است که از اسلوب ها و روش های مرسوم سخن گفتن استفاده می کنند و متکلمی که محل بحث ما است نیز یکی از عقلاست و لذا از همین سیره و روش عقلا پیروی می کند.

لذا اماره ای که احتمال چهارم را نفی می کند عبارت است از ظهور حال متکلم از این حیث که او نیز جزء عقلاست و در انتقال مفاهیم از روش های معمولی و مرسوم استفاده می کند.

Sco2: 10: 27

احتمال پنجم:

احتمال پنجم این بود که متکلم تمام مراد خود را با قرائن - حالیه یا مقالیه - بیان کرده باشد اما مستمع و کسی که سخن او را برای ما نقل می کند اشاره ای به قرینه حالیه ننموده باشد.

نفی احتمال پنجم با شهادت ضمنی راوی:

احتمال پنجم را می توان با یک شهادت ضمنی نفی کرد . چرا که وقتی راوی سخن متکلم را برای ما نقل می کند گویی همراه با این نقل، شهادت می دهد که من آنچه را برای فهم مراد متکلم لازم بود بیان نموده و به شما منتقل کرده ام. و این شهادت او (که شهادت یک فرد ثقة است) نزد عقلا مقبول و پذیرفته شده است. پس اماره ای که توسط آن، احتمال پنجم را نفی می کنیم، شهادت ضمنی راوی است.

نتیجه:

پس نتیجه کلام این شد که همه این احتمالات پنج گانه را می توان با اصول عقلایی نفی کرد و لذا کلام متکلم در حق غیر مخاطب و غیر مقصود بالافهام نیز حجت است.

Sco3: 24:25

چکیده

- ۱) شهید صدر (ره) در جواب به تفصیل میرزای قمی (ره)، بیان کردند که اگر مستمع احتمال دهد که مراد متکلم مطابق ظاهر کلام او نیست، منشأ این مسأله پنج احتمال می تواند باشد.
- ۲) احتمال اول با اصل عدم اخفاء مراد، که یک اصل عقلایی است نفی می شود. یعنی ظاهر حال متکلمی که از مرادش سخن می گوید این است که آنچه را در تفهیم مرادش نقش دارد حذف و مخفی نمی کند.
- ۳) احتمال دوم با اصل «عدم قرینه منفصله» نفی می شود به این معنا که ظاهر حال متکلم این است که تمام آنچه را در تفهیم مرادش نقش دارد یکجا بیان می کند و با اعتماد به قرینه منفصله مستمع را به خطا نمی اندازد.
- ۴) احتمال سوم (یعنی احتمال غفلت مستمع از قرائن متصله) با «اصل عدم غفلت» که یکی دیگر از اصول عقلایی است نفی می شود.
- ۵) احتمال چهارم با این بیان نفی می شود که سیره و روش عقلا این است که در انتقال مفاهیم از اسلوب ها و روش های عام استفاده می کنند و از روش های خاص و محرمانه بهره نمی گیرند.
- ۶) احتمال پنجم با اماره ای به عنوان «شهادت ضمنی» نفی می شود؛ یعنی شخص ثقه که سخن متکلم را نقل می کند، گوئی در ضمن نقل شهادت می دهد که من هر آنچه را در فهم مراد متکلم نقش داشت برای شما بیان کردم.
- ۷) با توجه به منفی بودن همه احتمالات پنج گانه، تفصیل میرزای قمی (ره) پذیرفتنی نیست.